



به شخصیت این دو، به قصه‌هایی از زنان کارتن خواب و ترک‌کردگاه‌های اعتیاد و معرفی الگوهای درست در توانبخشی این افراد می‌پردازد. برخی عوامل این مستند سینمایی عبارتند از: تهیه‌کننده و کارگردان: محسن اسلامزاده، فیلمبردار: علی محمد خانیکی، تدوین: سلمه اربابون، طراحی و ترکیب صدا: محمد حسین ابراهیمی، مجری طرح: ساقش به مام مناست و در کنار موضوع اصلی و پرداختن

و سپس این مستند به مدت یک هفته در دو سالان ۱۶ و ۲۰ در این پرده سینمایی نمایش داده می‌شود. مستند اجتماعی «هیچ کس منتظر نیست» به کارگردانی محسن اسلامزاده از ۲۸ آذر در شهر مشهد روی پرده سینما می‌رود.

افتتاحیه هیچ کس منتظر نیست که اکران‌های منطقه‌ای و رویداد محور در قالب پخش «روپیش» برای آن در نظر گرفته شده است، روز دوشنبه ۲۸ آذر ساعت ۱۷ و ۲۰ دقیقه باحضور

عامل مستند در پرده هیویز مشهد رقم خواهد خورد.

حقایقی که نیست راهست می‌کند



علیرضا سلطانی

کارگردان و هنرمند

تنوع و گوناگونی موضوعات و ساختار از جمله ویژگی‌های شاذ و دهنی خشنواره بین‌المللی سینما حقیقت بود و تقریباً برای هر نگاه و سلیمانی فیلم برای دیدن وجود داشت. سه فیلمی که اینجا کثیر آنها شده و در سه فضای مقاومت روات می‌شوند.

تهاجمونه‌ای از این گسترده‌گی محتوایی و روابط هستند. **یک** «عمر، عمار، عمار... مرکز»... عمار... عمار عقب‌بکش، عقب‌بکش، اگه محاصره شدی، تو رو خدا عقب‌بکش، تو رو خدا... عمار عمار، عزیز... عمار عزیز... عمار هادی عمار/ هادی جان به داد ما نرسیدی برادر... عمار جان... بین... هم یکم آرامش روح حفظ کن بچه‌ها پوش آتش بد... آرام بیا توی موضع اولیه خودت عمار... «همین دیالوگ‌های واقعی از بیسم شهید مدافع حرم محمد حسین محمد خانی مشهور به عمار، فرمانده جوان تیپ هجومی سید الشاھد از سوریه در آینده مستند «قرار روز شاندزه هم» با ایگاه بیست از هر فیلم داستانی و سینمایی، تعلیق و هیجان و جوهر درامایی دارد. موقعیت این فرمانده تپ که همچو بانکه جلوتر از نیروها و سربازانش برای شناسایی موضوع دشمن، به دل تاریکی و حادثه زده، در میان نیروهای داعش محاصره شده و هر آن امکان شهادتش وجود دارد. شرایطی نفس‌گیر که بدون نیاز به هیچ یک سینمایی و داستان پردازی، روی شونده و مخاطب کار می‌کند و نایر می‌گذارد. قرار روز شاندزه هم به کارگردانی سید محمد احسان صفرزاده موسوی و تهیه‌کنندگی مرتضی شعبانی، یار قدری شهید ایوبی در روایت فیلم، با چینی دست فرمایش شعبانی، یار قدری شهید ایوبی در راپا، رفته با همراهی دست فرمایش شعبانی، یار قدری شهید ایوبی در راپا و به قهرمانش شهید محمد خانی همراه می‌کند.

این عقیه حضور شعبانی در جبهه و جنگ و تعلق خاطریش به مقاومت و توانایی اش در فیلم‌سازی، خروجی موثری در این سال‌ها دارد که به جزء همین فیلم قرار روز شاندزه در مستند تماشی «گلوله ایران» هم برگسته است، اثراً که دست مخاطب را می‌گیرند و با سربازان جان برکت به دل حادثه می‌برند و دلایل امنیت موجود را بانگاهی هنرمندانه به او ادازه می‌شوند.

دو دوستعلی خان عیرالملک، از رجال دوره قاجار و خاندار و رئیس ضرابخانه در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار جملاتی با این مضمون دارد: «غرض سوتی است که از ما به یادگار ماند. حقیقت و دعنت را حین ساخت این بود که مخاطب عکس و فوتوگراف که دو نیست را هست می‌کند». مستند «دیافراگم» به کارگردانی جواد طبلی که از این جملات معبرالمالک هم بجا استفاده کرده، با تکیه بر پژوهش‌های ارزشمند و ترکیب مناسب روایت، مصاحبه و تصاویر و مستندات آریسوی، سیر تاریخ تحول ضبط موسیقی و صدا روی صفحه‌های گرامافون و تأثیرات سیاسی - اجتماعی آن در دوره تاریخی قاجاریه تا پایان پهلوی دور را به تصور می‌کند و عیش و ضایفی تئام عبار برای علاوه‌مندان عرصه موسیقی است.

سه «اهمی سینمای مستند زنده‌یاد هوشیگ میرزاپی، مستندساز را خوب به یاد دارد، فیلم‌سازی که انشار پست اینستاگرامی اش در واپسین روزهای زندگی تاخ و تکان دهد بود. او با انتشار عکسی از خود روزی تخت پیمارستان، در و رنج ناشی از کرونا و بیانهای و نوج فیلم‌ساز ممستند بودن را به مخاطب منتقل کرد. مستند «این، بین مگ و زندگی» ساخته مهدی سالکی، مستندساز ایرانی مقیم سوئیس عجیب مخاطب اهل مستند را یاد می‌زاید و قیدی می‌اندازد.

منتها بیچاره آن روز سکه را می‌بینیم؛ امید، شور زیستن برای غلبه بر بیستی و بیست رفاه و امکاناتی که درست تعلق مکالمه‌های اینچالی است. سالکی می‌زاید سخت و طولانی اش با کرونا را مستندگاری می‌کند و یادیز بآن زبان سوئیس و چهارهای که به شیوه ای از شاهزاده‌یاد را می‌بینند و چهارهای از شیوه ای از شاهزاده‌یاد را می‌بینند.

که این روزهای آن می‌زاید و قیدی می‌اندازد اما این فیلم‌سازی زیادی حول این موضع اینستاد این اتفاق را می‌شود... **چهار** **جوان نگاه توان با پی ازشی هم در مستندان دیده**

تمام تمرکز در حین ساخت این بود که مخاطب ما، خانواده یا نوجوان یا جوانانی هستند که می‌توانستند جای خانواده این دختران با خنی خودشان باشند. هدفمان این بود که نیاینده ستد می‌زاید و این دختران را که همیشه این شرکت این طور نیست و بدمخته این مخفوف تراز چیزی است که ما این مستند و نجوه ای اکران داخلی و خارجی اش توضیح دادیم. به این می‌شود...

تمام تمرکز در حین ساخت این بود که مخاطب این فیلم‌سازی را می‌کرد. اینشان را می‌شود دفعه اول مواجهه با این می‌شود... **پنجم** **چون نگاه توان با پی ازشی هم در مستندان دیده**

در «چونه مامان شکوه» خانه‌ای را می‌بینیم با

دخته‌ای که برای این دختران را در آنجا حضور دارد،

معنی حالتی مانند کمک دارد. این کمک برای دادن این را اسلام‌بهر بود ولی ساکنانش به دل اتفاقاتی جایه جا

شده و اسرع سمت خیابان و حدت اسلامی ساکن

شده‌اند. این مستند را اینگزینه نوجوانان و جوانانی

این ۲۵ ساله است که هر کدام از ازوها و ریاهای وارد

این خانه شده و با داستان‌ها و ایده‌های مختلفی از

این خانه خارج می‌شوند. بجهه‌های دیگر این کمک را می‌شود...

به عنوان مادر خودشان قبول دارند و او را «مامان شکوه» صدای کنند.

اویوت های است.

پس از نمایش مستند «ذکر» در شاندزه‌های

چشواره سینمایی اینستاد این اتفاق را می‌بینیم با

آنچه‌ای که در اینجا می‌شود...

دست داشتند و بجهه‌هایی که در اینجا می‌شود...

</